

درج ۳۰ دقیقه‌ای «زنگ نماز» در برنامه روزانه مدارس

بخشنامه تقویت و توسعه فرهنگ اقامه نماز ابلاغ و زنگ نماز در متن برنامه رسمی روزانه مدارس در تمامی دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی به



مدت ۳۰ دقیقه درج شد. وزیر آموزش و پرورش در این بخشنامه به بیان انتظارات از مدیران کل به عنوان رئیس شورای اقامه نماز استان پرداخت. توجه ویژه مدیران مدارس به اجرای برنامه‌های اقامه نماز و تشویق و ترغیب همکاران و دانش آموزان برای حضور حداکثری در صفوف نماز جماعت، از مفاد این بخشنامه است.

■ ■ ■

بازداشت ۳ عضو شورای شهر نوشهر در بازداشت ۲۵ هزار معلم جدید به اتهام اختلاس

میزان نوشت: رئیس کل دادگستری مازندران از بازداشت ۳ عضو شورای شهر نوشهر به اتهام ارتشا. اختلاس خبر داد. محمدصادق اکبری اظهار کرد: در همین راستا فرد دیگری نیز بابت اختلال در نظام ارزی کشور و معاونت در ارتشا و در اختلاس، با مقادیر قابل توجهی سکه، طلا و دلار خارج از شبکه، دستگیر شد. وی با تأکید بر عزم قاطع دستگاه قضایی استان در مبارزه با تمام مصادیق فساد، خاطر نشان کرد: تحقیقات مقدماتی برای کشف سایر زوایای این پرونده و شناسایی مرتبط با امر تبیین احتمالی دیگر، ادامه خواهد داشت.

■ ■ ■

سختگویی آموزش و پرورش: ورود ۲۵ هزار معلم جدید به مدارس از ابتدای آبان

معاون برنامه‌ریزی و توسعه منابع آموزش و پرورش گفت: ۲۵ هزار معلم جدید از اول آبان وارد کلاس‌های درس می‌شوند و مسأله کمبود معلم برطرف خواهد شد. به گزارش ایسنا، علی فرهادی افزود: به‌یاد کارگیری این تعداد معلم مسأله کمبود معلم در مدارس برطرف خواهد شد و بخشی از ظرفیت‌ها نیز خالی خواهد ماند که در آزمون‌های بعدی تلاش خواهد شد تا جذب شوند. وی همچنین درباره جذب مربی پرورشی در مدارس هم گفت: اطلاعاتیه جذب ۱۱ هزار مربی پرورشی در مدارس هم به‌زودی منتشر خواهد شد. به گفته‌ی وی، برای استخدام این تعداد مربی پرورشی با سازمان اداری و استخدامی مکاتبه شده و مذاکرات همچنان ادامه دارد.

■ ■ ■

برنا: مرگ مغزی «آرمیتا گراوند» قطعی است

با وجود تلاش‌های کادر پزشکی معالج، مرگ مغزی «آرمیتا گراوند» قطعی به نظر می‌رسد. برنا نوشت: پیگیری‌ها برای اطلاع از آخرین وضعیت سلامت «آرمیتا گراوند» حاکی است که متأسفانه وضعیت سلامتی او روند امیدوارکننده‌ای ندارد و با وجود تلاش‌های کادر پزشکی معالج، مرگ مغزی «آرمیتا گراوند» قطعی به نظر می‌رسد.

■ ■ ■

پزشکیان:

همه در حال مهاجرت هستند!

نماینده تریز و عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس در خصوص افزایش موج مهاجرت کادر بهداشت و درمان کشور گفت: چنانچه می‌بینید همه در حال مهاجرت هستند. ممکن است ۱۰ تا ۱۵ سال بعد، به دلیل کمبود پزشک برای درمان خیلی از امراضی مجبور شویم به خارج از کشور برویم. مسعود پزشکیان در گفت‌وگو با رویترز افزود: پزشکیانی که در سیستم مانده‌اند به چارچوب‌هایی که وجود داشت و قبلاً عمل می‌کردند، الان دیگر عمل نمی‌کنند. البته نمی‌شود از این‌ها گلايه کرد، چون پولی که الان در دولت مصوب شده و به نام برابری و مساوات است، زندگی خیلی از پزشکان رانمی‌چرخاند.

■ ■ ■

سیل، راه ۴۲ روستای چابهار را بست

معاون عمرانی فرمانداری ویژه شهرستان چابهار از بسته شدن راه ۴۲ روستای چابهار به دلیل سیل، خبر داد. به گزارش ایسنا، معاون عمرانی فرمانداری ویژه شهرستان چابهار گفت: بارش باران و جاری شدن سیلاب در راه ۴۲ روستای محدوده شهرستان‌های چابهار، قصرقند و کنارک، باعث و برق عروستای بخش پیرسهراب چابهار پس از گذشت یک روز همچنان قطع است. دادکریم بلوچ افزود: از روز شنبه تا یکشنبه مسیرهای پیرسهراب به هوشمب، عور کی، کلسکان، رگتی و راه محدوده روستاهای فتحعلی کلات بسته است و تردد پس از فروکش کردن آب میسر می‌شود.



چرا شهرداری و زیباسازی این همه گاف می‌دهند؟ چرا درکی از کارشان ندارند؟

دغدغه‌مندی مفرط مدیران شهری برای دیده شدن!



کالبد فیزیکال شهر زنده و بازسازی کند؛ آن هم به دستور زبان معماری و معماری شهری. این که کار زیباسازی شده است نصب بنرها و بیلبوردهایی که محل بحث‌های زیادی هم‌قار می‌گیرد، چه محلی از اعراب دارد؟

یک پوشش بزرگ بر ضعف‌های مدیریتی
حقیقت امر آن است که همه چیز از یک ضعف مدیریتی بزرگ برمی‌خیزد. وقتی شمار عرصه مدیریت، ترازویی برای سنجش موفقیت افراد نداشته باشید، اولین چیزی که به ذهن آن‌ها می‌رسد، آن است که کار پر سر و صدا کنند. نویسنده‌ی زمانی که در دهه هشتاد و نود با برنامه‌های صداوسیما همکاری داشت، به عین مشاهده می‌کرد که تهیه‌کننده‌ها چه تلاشی برای دیده شدن کارشان در رسانه‌ها داشتند. اما چرا؟ چون این بازخوردها برای مدیران بالادستی خودشان فاکتور می‌گردد تا بگویند که کار ما چقدر موفق بوده است؛ در حالی که طبیعی بود موفقیت کار در حوزه صداوسیما، به میزان بیننده و استقبال منتقدان و... بازمی‌گردد، نه به نقدها و دیده‌شدن‌های زورکی در رسانه‌ها.

ساخت دستاوردهای مصنوعی

حالا ماجرای زیباسازی شهر تهران هم چنین است. آن‌ها می‌خواهند که توی چشم شهروندان باشند و به شدت دیده شوند. این برای آن‌ها می‌تواند نوعی رزومه موفق و دستاورد موفق تلقی شود؛ چرا که نه؟ نتیجه چنین کاری، انتخاب رئیس سازمان زیباسازی تهران، به عنوان مدیر برتر شهرداری بوده است. یک مدیر تازه‌کار و بی‌کارنامه، مگر دیگر چه می‌خواهد؟ آن هم مدیری که وقتی وارد سازمان عریض و طویلی چون زیباسازی شده بود، اساساً در کمی از بزرگی و ماهیت پروژه‌های عظیم این بخش نداشت و صرفاً به واسطه سابقه و رسانه‌ای خود، دنبال کارهای رسانه‌ای بود؛ کارهایی رسانه‌ای که در مقایسه با آن پروژه‌های عظیم زیباسازی، به چشم نمی‌آمد و یک شوخی بیشتر نبود. ظاهر آنکه شهرداری، عرصه تاخت و تاز چنین افراد و مدیرانی قرار گرفته است؛ و آن چه در ظواهر شهر می‌بینیم، از جمله در همین بیلبوردها، تنها نوک این کوه یخی است؛ کوهی یخی که شامل برنامه‌هایی چون مهمانی‌ها و بدرقه‌های کیلومتری و پر سر و صدا و برنهای بحث‌برانگیز و... بوده و هست...

حاشیه‌های اطراف سفار تخانه

بخشی دیگر از درس‌هایی که: زیباسازی تهران ایجاد کرده، پیرامون سفارت انگلیس افتاده است. این کشور به رغم تنش‌های دیپلماتیک از گذشته‌های دور تا امروز با کشور ما به هر حال در ایران سفارتخانه دارد و همه چیز رسمی است؛ چطور یکی از نهادهای رسمی مملکت، می‌تواند در اطراف این سفارتخانه، چنین اقداماتی انجام دهد؟ اقدام اخیر، نصب تندیس فحطی ایران در زمان جنگ جهانی بوده است؛ که گفته می‌شود انگلیسی‌ها در آن نقش مهمی داشته و چند میلیون ایرانی به کام مرگ فرو رفتند و از گرسنگی مردند؛ زیباسازی برای این که به یاد انگلیسی‌ها بیلوردها، چه خیابانی که در دهان تندیس فحطی را نزد یک سفارتخانه نصب کرده، در حالی که گفته می‌شود این تندیس، مربوط به قتل عام ارامنه توسط عثمانی‌ها بوده؛ یک گاف بزرگ دیگر.

کدام رنگ؟ کدام رنگ؟

تقابل زیباسازی و سفارت انگلیس، البته سابقه‌دار بوده. اگر خاطرتان مانده باشد شعار نویسی‌هایی روی در و دیوار این سفارتخانه توسط نیروهای خودسر صورت گرفت. سفیر انگلیس هم در اقدامی نمادین، با رنگ و فرچه و... شروع به پاک کردن این شعارها کرد. ظاهراً چند تن دیگر از سفیرای کشورهای اروپایی هم حضور داشتند تا باز دیدی از این وضعیت داشته باشند. و آن وقت زیباسازی شهرداری انقلابی تهران چه کرد؟ بنرهایی در چهار طرف ساختمان آن نصب کرد که گفتگرا با رنگ نمی‌شود پاک کرد!

چرا می‌خواهند به هر شکلی دیده شوند؟

اما این همه اصرار برای حضور در ملاعام و در صدر خبرها بودن، از کجانشانی می‌شود؛ مگر زیباسازی و شهرداری کارهای مهم‌تری ندارند؟ مگر نمی‌بینند که مردم در مترو و بی‌آرتی چطور ربه جان هم می‌افتند و وضعیت ترافیک و نظافت و... هر چگونه است؟ آیا مردم راضی‌اند که هنرینه عوارض و... که به شهرداری می‌دهند، صرف چنین کارهایی شود؟ این در حالی است که حتی اگر ویکی‌پدیا را سرچ کنید، وظیفه زیباسازی را، بهسازی و حفظ هویت محیط شهری تعیین شده است؛ آن هم در جهت ارتقای کیفیت زیست شهری. به واقع زیباسازی، قرار است که حتی مفاهیم انتزاعی و فرهنگی را در

از عقیق تا بیلبورد

البته حضور حدادیان، چندان بی‌ربط هم نبود. وقتی که رئیس زیباسازی تهران، خودش یکی از فعالان عرصه هیأت‌های مذهبی بوده و کار اطلاع‌رسانی درباره آن‌ها را در یک درگاه معروف به نام عقیق بر عهده داشته، طبیعی است که باید حدادیان را، شاعری بالاتر از بسیاری از شاعران زنده و غیر زنده ایرانی بداند. نباید فراموش کرد که اساساً حضور این فرد در چنین کسوتی، خود محل بحث‌های زیادی قرار گرفت؛ چرا که به غیر از جنبه‌ها و تجربه‌های ژورنالیستی در عرصه مذهبی، تجربه دیگری در این حوزه نداشت.

در مورد نصب بیلبوردهای سطح شهر این پرسش‌ها مطرح است که این همه اصرار برای حضور در ملاعام و در صدر خبرها بودن، از کجانشانی می‌شود؟ مگر زیباسازی و شهرداری کارهای مهم‌تری ندارند؟ مگر نمی‌بینند که مردم در مترو و بی‌آرتی چطور ربه جان هم می‌افتند و وضعیت ترافیک و نظافت و... هر چگونه است؟ آیا مردم راضی‌اند که هنرینه عوارض و... که به شهرداری می‌دهند، صرف چنین کارهایی شود؟

حساسیت اضافه؟

البته حاشیه‌های زیباسازی، چندان جدید نبوده و نیست. همین چند روز پیش، عنوان رژیم حرام‌زاده صهیونیستی، حساسی محل بحث قرار گرفت. نه به این مفهوم که چرا به اسرائیل که رژیمی نامشروع است، چنین نسبتی داده شده؛ از این بابت که اگر بجای در ماشینی، از والدین خود معنای حرام‌زاده را بپرسد، چطور به او باید توضیح بدهند؟ البته برخی کاربران این میزان حساسیت را، اضافه و افراطی دانستند. اما وقتی که والدین و خانواده‌های امروزی، درباره تربیت جنسی و بلوغ فرزندان خود، نه آموزش لازم را دیده‌اند و نه می‌دانند که چطور باید آن‌ها را با چنین مفاهیمی آشنا کرد، چنین تابلوهایی چه محلی از اعراب می‌تواند داشته باشد؟

امینی اعتراض داشتند؛ در حالی که پوشش‌ظاهری مهسا امینی، از این شاعر معروف کاملتر بوده؛ پس این استاندارد دوگانه چرا؟ البته سخنگوی شورای شهر به میدان آمد تا قضیه را جمع کند که: «عکس با حجاب پیدانشد، عکس با کلاه گذاشتند.» جالب این که نادعلی، اشاره کرده «حالا فروغ در دوره‌ای زندگی می‌کرده که اصلاً این بحث‌ها نبوده و حالا یک عکس با کلاه هم گذاشته‌ایم دیگر.»

حالا یک عکسی جابه‌جا شده دیگر!

امان‌داعلی، درباره اشتباه جابه‌جایی عکس سهراب سپهری هم، گفت که: «در خصوص انتشار اشتباه عکس مر حوم سهراب سپهری آن هم با انتشار عکس بازیگر نقش وی یک اشتباه معمولی و آن چنان هم پرت نبوده است.» او گفته نباید وقتی سازمانی مثل زیباسازی دارد کار می‌کند، ایرادهای بی‌خود گرفت و اما بعد، درباره ماجرای خمی شدن ششیل نو جوان هم چنین گفته: «۶ نفر از نو جوانان از بال‌های تبلیغاتی در منطقه ۲۱ آسیب دیدند؛ این بال‌ها در نقاطی که کارگاه عمرانی برقرار بود وجود داشت و کار خلاقانه‌ای بود تا مردم بدانند خدمت‌رسانی به آن‌ها در حال انجام است. جنس گاز این بال‌ها اشتعال‌پذیر نبوده و باید ایمنی را در نظر می‌گرفتند؛ بچه‌ها از لای فنس‌ها وارد شده و چون گاز آن‌ها کم شده بود، وقتی پایین آمده گازش دچار اشتعال شده و بچه‌ها را مصدوم کرده است.» البته کاش که همه موارد را به همین راحتی حل و فصل می‌کردند و دست کم به ایرادات دیگران چنین متمرکز نمی‌شدند.

شاعری به نام سعید حدادیان

البته ایراد دیگری که خیلی سروصدا کرد، حضور یک مداح معروف، یعنی حدادیان، در این تابلوها بود. اما چرا؟ اگر خاطرتان مانده باشد او در دانشگاه تهران است و زمانی هم مدعی شده بود که در کلاس‌های استاد شفیع کدکنی حضور داشته و...! ادعایی که البته توسط پیچ منتسب به کدکنی، تکذیب شد. در حالی که بخشی از دانش‌آموختگان کشور از حقوق طبیعی خود در تدریس و تحقیق محروم شده‌اند، ستوال این است که چرا امثال او باید در دانشگاه باشند و حتی تدریس کنند؟ البته حدادیان، شاعر هم هست و به همین دلیل، بیتی از او را در یکی از بیلبوردها گذاشته‌اند.

گزارش

در برخی مدارس والدین تدریس می‌کنند!

بازماندگی از تحصیل در کمین دانش‌آموزان کلاس‌های بی‌معلم



تدریس اولیا دانش‌آموزان در کلاس‌های خالی از معلم، اذعان کرده بود؛ اصلاً اینطور نیست که کلاس‌های درس با والدین پر شود. اما والدین به‌مأمی گویند اصلاً مدارس با این وضعیت کمبود نیرو، بدون نمایندگان کلاس‌ها و انجمن اولیا و مربیان اداره نمی‌شود! خانم کاظمی، یکی از والدین که با این مشکل مواجه است، به این‌ها گفت: من خودم الفبا و ریاضی را با فرزندم کار می‌کنم به این دلیل که می‌دانم اگر این کار را نکنم فرزندم از تحصیل عقب می‌ماند و در سالهای تحصیلی بعدی ضعیف می‌شود. در برخی از مدرسه‌ها اولیا از ترس اینکه دانش‌آموزان بی‌معلم هستند هر کدام نوبتی تاجایی که می‌توانند کتاب‌ها را تدریس می‌کنند.

کاظمی با بیان اینکه آموزش و پرورش حتی با آزمون استخدامی که برگزار کرده هم نتوانست مشکل را حل کند، گفت: وقتی امکان تدریس خیلی از نیروهای خرید خدماتی

کمبود معلم در آموزش و پرورش بحران تازه‌ای نیست و امسال بیش از سال‌های گذشته نمود پیدا کرده است؛ آمارهای گوید هم اکنون حدود ۳۰۰ هزار کمبود معلم در کشور وجود دارد و آزمون استخدامی برگزار شده هنوز نتوانسته این کمبود را جبران کند. البته این آزمون حواشی زیادی داشت؛ از اعلام نتیجه نهایی آزمون آموزشی در دقیقه ۹۰ یعنی در تاریخ ۳۰ شهریور ماه تا با تکلیف نگه داشتن بخش قابل توجهی از داوطلبان آزمون استخدامی آموزش‌گاری ابتدایی و استثنایی که حدنصاب علمی آورده‌اند، در واقع قبول شده‌اند، ولی از منظر گزینش اصلح نیستند و صلاحیت معلمی ندارند؛ این افراد باید مجدداً گزینش شوند در حالی که با توجه به داشتن نمره قبولی و کسب حدنصاب علمی می‌توانستند در این شرایط کمبود معلم به یاری آموزش و پرورش بیایند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، اینکه اخبار کمبود معلم، انتهای این نظر که موجب عقب‌ماندن دانش‌آموزان از بودجه‌بندی درسی می‌شود نگران‌کننده‌ترین، به لایه سطحی ماجراست، در حالی که کمبود معلم یعنی مواجهه دانش‌آموزان با کلاسی که آموزش‌دهنده‌ای ندارد، در نتیجه بی‌انگیزگی عده‌ای از دانش‌آموزان از ادامه تحصیل، جدایی مجدد با ماندگان از تحصیل از مدرسه و بازگشت به فضای کار و ترک تحصیل دوباره و... طبیعتاً نمره چنین روندی، تنها دور شدن دستگاه تعلیم و تربیت کشور از همین عدالت آموزشی نصفه و نیمه‌ای است که در تلاش برای تحقق آن هستیم.

«معصومه نجفی» معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش پیش‌تر گفته بود: اکنون همه کلاس‌های درس پر شده‌اند و با اعلام تکمیل ظرفیت از سوی سازمان سنجش هم اگر کلاسی با نیروهای کیفیت‌بخشی مانند معاونان پر شده است، جایه جاشده و معلم مربوطه سر کلاس درس می‌رود. این در حالی است که صحبت با والدین شرایط دیگری را روایت می‌کند. البته معاون آموزش ابتدایی درباره برخی ادعاها در فضای مجازی مبنی بر

و حق التدریس را از بین بردند، امسال معضل کمبود معلم که معضلی مربوط به سال‌های قبل است، بیشتر نمود پیدا کرد.

معلمان باز نشسته حوصله دانش‌آموزان ابتدایی را ندارند

این مادر در ادامه اظهار کرد: خیلی از معلمان باز نشسته‌ای که برای جبران کمبود معلم بکارگیری شده‌اند نیز با اقبال‌ها از حمت کشیده‌اند و دیگر حوصله ندارند و انگیزه‌ای برای آن‌ها باقی نمانده که بعد از ۳۵ سال تدریس دوباره به دلیل نیاز مالی به کلاس درس برگردند. این معلمان ترجیح می‌دهند و اقبال‌ها نشسته شوند ولی هم‌نگران بچه‌های بی‌معلم هستند هم خودشان نیاز مالی دارند برای همین پیشنهاد تدریس مجدد را می‌پذیرند و این در حالی است که کیفیت کار آن‌ها در کلاس درس در مقایسه با معلم جوان پایین‌تر است. هاشمی‌پدر یکی دیگر از دانش‌آموزان که در شهر تهران سکونت دارند در این گزارش با اشاره به اینکه کمبودها فقط مربوط به کمبود معلم نیست و در آموزش و پرورش و مدارس کمبود نیروی انسانی وجود دارد، توضیح داد: ۶۰۰ دانش‌آموز کلاس اول، دوم و سوم در یک مدرسه حضور دارند. هر کلاس تا ۴۲ نفر دانش‌آموز دارد، ولی این مدرسه فقط یک مدیر دارد. دفتر دار مدرسه که روی دانش‌آموزان و رفت و آمد آن‌ها در حیاط و راهروها و پله نظارت ندارد، تا بتواند امنیت دانش‌آموزان را تأمین کند. در واقع مدیر تنها نیروی انسانی رسمی مدرسه است.

هاشمی بیان کرد: بقیه امور مدرسه را به صورت تمام و کمال انجمن اولیا و مربیان انجام می‌دهد و نصف بیشتر کارهای معلمان را نیز نمایندگانی که برای هر کلاس انتخاب شده‌اند پیش می‌برند. به عنوان نمونه به دلیل اینکه کلاس اولی‌ها کار سنگینی دارند، نمایندگان به معلم کمک زیادی می‌کنند و سر مشق دانش‌آموزان را می‌دهند، مشق‌ها و تکالیف دانش‌آموزان را بررسی می‌کنند.

این پدر گفت: معلم در این کلاس‌های پر تراکم فقط می‌تواند بودجه‌بندی که آموزش و پرورش به او داده است را تمام کند. معلمان دلسوز هستند، ولی باید پاسخگو باشند. همین حالا مدرسه به‌سپر من نه ناظم دارند نه معاون پرورشی و تمام کارهای مدرسه با کمک اولیا و نمایندگان کلاس‌ها پیش می‌رود.